

## شیوع ویروس کووید ۱۹ و احیای اصول و مبانی نظریه واقع گرایی

ابوذر عمرانی<sup>۱</sup>

دکترای روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه روابط بین الملل.

**PhD in International Relations, Allameh Tabatabai University, Faculty of  
Law and Political Science, Department of International Relations.**

محمد جواد مرادی

کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

**Master of International Relations School of International Relations, Ministry  
of Foreign Affairs**

### چکیده

واقع گرایی یکی از مهمترین و پایدارترین نظریه های روابط بین الملل به شمار می رود. به اعتقاد واقع گرایان به دلیل وجود آنارشی همواره اصولی عام و پایدار در عرصه نظام بین الملل و در روابط میان کشورها حکمفرماست. آنارشی پیامدهای مهمی مانند بی اعتمادی و سوءظن کشورها به یکدیگر، و در نتیجه خودیاری و تلاش برای به حداکثر رساندن قدرت و امنیت در راستای منافع ملی دارد. در مقابل لیبرالها معتقدند ارزش های لیبرالیسم مانند حقوق بشر، دموکراسی، بازار آزاد، نهادهای بین المللی و همکاری های فراملی بعد از جنگ جهانی دوم توسط هژمونی لیبرال حمایت شده و با پایان یافتن جنگ سرد و همراه شدن با روند جهانی شدن گسترش و تعمیق یافته است. واقع گرایان ضمن کم اهمیت دانستن اصول لیبرالیسم بر سیاست قدرت و اهمیت ناسیونالیسم و منافع ملی کشورها، بویژه در مواقع بحران تأکید می کنند. با توجه به اینکه شیوع کرونا از چین در دسامبر ۲۰۱۹ جهان را با بحران مواجه ساخته است، واقع گرایان مدعی احیای اصول و مفروضه های نظریه خود در سیاست داخلی و خارجی کشورها می باشند. بین ترتیب سؤال این است که شیوع ویروس کرونا چه تأثیری بر سیاست داخلی و خارجی کشورها در نظام بین الملل داشته است؟ این فرضیه مطرح می شود که کشورهای مختلف جهان به منظور مقابله با ویروس کرونا به ملی گرایی و برای دستیابی به منابع و تجهیزات بهداشتی مورد نیاز به رقابت های بین المللی روی آوردند. در واقع دولتهای مختلف به جای همکاری های فراملی و تکیه بر نهادهای بین المللی مطابق با مبانی نظریه واقع گرایی رفتار کردند. هدف پژوهش حاضر بررسی رفتار دولتها در مقابله با همه گیری ویروس کرونا و تطبیق آن با نظریه واقع گرایی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. کلیدواژه ها: ویروس کرونا، نظریه واقع گرایی، ملی گرایی، منافع ملی، رقابت بین المللی.

### بیان مسئله

هنگامی که از جریان اصلی در روابط بین‌الملل سخن می‌رود، معمولاً منظور نظریه واقع‌گرایی است. جاذبه این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران در عرصه بین‌الملل و همچنین نزدیکی آن با فهم متعارف از سیاست بین‌الملل است. پیروان این مکتب بر این باورند که در روابط بین‌الملل، کشورها باید با دنیا آن‌گونه که واقعاً وجود دارد روبه‌رو شوند. واقع‌گرایان جامعه داخلی را با نظام بین‌الملل از این جهت که در نظام بین‌الملل حکومت جهانی برای مدیریت سیستم وجود ندارد متفاوت دانسته و مبحث آنارشی را مطرح کرده‌اند. از جمله پیامدهای آنارشی اولاً ایجاد سوءظن و بی‌اعتمادی به دیگران است. ثانیاً چون نظام بین‌الملل خودیار است، هریک از کشورها باید به تنهایی امنیت خود را تأمین کند. ثالثاً، کشورها در نظام بین‌الملل تلاش می‌کنند قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند. بدین ترتیب برای واقع‌گرایان کسب قدرت و تأمین منافع ملی مهمترین هدفی است که در سیستم آنارشیک بین‌المللی دولتها باید به دنبال آن باشند. تأمین نظم و امنیت در عرصه داخلی با اقتدارگرایی، و تأمین منافع ملی با کسب قدرت بیشتر و رقابت با دیگران میسر است. در مقابل آرمانگرایان و بویژه لیبرالها قرار دارند که معتقدند آنارشی بین‌المللی را به طرق مختلف مانند ایجاد رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌توان تخفیف داد. با توجه به پایان جنگ جهانی دوم و شکلگیری سازمان ملل متحد، لیبرالها مدعی شدند که با زعامت ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمونی لیبرال، ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، حکومت قانون، بازار آزاد، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی که نهایتاً منجر به چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های فراملی شده است گسترش و تعمیق پیدا کرده است. فروپاشی کمونیسم و گسترش دموکراسی در مناطق مختلف جهان به‌عنوان پیروزی دموکراسی‌های لیبرال غربی قلمداد شد. ایدئولوژی لیبرالی که بر ارزشها و هنجارهای دموکراتیک تأکید دارد و گزینه‌هایی مانند اقتدارگرایی و ملی‌گرایی استثنائی را مردود شمرده تا فضای بین‌المللی برای ایدئولوژی لیبرال گسترش بیشتری بیابد. این ادعا که دوران رقابت‌های سیاسی – ایدئولوژیک و قدرت‌سخت پایان یافته و دنیا به‌سوی نظم لیبرال مبنی بر همکاری دسته‌جمعی پیش خواهد رفت در کانون توجه لیبرال‌ها قرار دارد. آنها روی تغییر ماهیت سیاست بین‌الملل و ماهیت قدرت از سخت به نرم تمرکز داشتند و حتی لیبرال‌های رادیکال از پایان دولت‌ملی و پایان تاریخ به‌معنای خاتمه یافتن تضاد ایدئولوژیک با لیبرالیسم، به عنوان بهترین نظام اندیشگی بشر، سخن می‌گفتند. بر این مبنا کشورها نمی‌توانند مانند سابق در عرصه داخلی به هر نحوی که بخواهند با شهروندان خود رفتار کنند و در عرصه روابط بین‌الملل صرفاً به دنبال کسب قدرت و منفعت بیشتری باشند و به منافع سایر بازیگران روابط بین‌الملل و همچنین به ارزش‌های بنیادین جامعه جهانی و قواعد حقوقی بین‌الملل اعتنا نکنند. در مقابل واقع‌گرایان اهمیت اصول و مفروضه‌های لیبرالیسم را ناچیز شمرده و این مسئله را که دولتها بویژه در مواقع بحران به‌شیوه رئالیستی عمل می‌کنند، یادآور می‌شوند. به‌نظر می‌رسد با شیوع ویروس کووید ۱۹ از کشور چین در دسامبر ۲۰۱۹ به سراسر جهان و پیامدهای مخرب و عظیم آن در ابعاد مختلف، فرصت مناسبی پیش روی رئالیستها قرار داد تا مدعای خود را تکرار کرده و شاهد احیای اصول و مبانی نظریه خود باشند. هدف پژوهش حاضر نیز این است که اصول و مبانی نظریه واقع‌گرایی را با تحولات واقع ناشی از شیوع ویروس کرونا منطبق کرده و میزان اعتبار آن را مورد سنجش قرار دهد. در این راستا سؤالی که مطرح

می‌شود این است که که شیوع ویروس کرونا چه تأثیری بر سیاست داخلی و خارجی کشورها در نظام بین‌الملل داشته است؟ با توجه به اینکه اولین واکنش دولتها به شیوع ویروس کرونا بستن مرزها ملی و رجوع به خودیاری برای مقابله با ویروس کرونا بود، این فرضیه مطرح می‌شود که نظریه واقع‌گرایی با اصولی مانند خواری، ناسیونالیسم، منافع ملی و رقابت برای کسب منابع محدود در محیط آنارشیک مورد توجه و کاربست اغلب کشورهای جهان قرار گرفته است. در واقع کشورهای جهان به جای همکاری‌های فراملی و تکیه بر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی برای مقابله با بحرانی جهانی، مطابق با اصول نظریه واقع‌گرایی، به ناسیونالیسم، خودیاری و رقابت روی آورده‌اند. پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی برای بررسی مطالب و داده‌ها استفاده کرده است. شیوه گردآوری مطالب نیز کتابخانه‌ای است.

### ۱- چارچوب نظری: نظریه واقع‌گرایی

در آثار موجود روابط بین‌الملل از چهار چهره رئالیسم سخن به میان می‌آید که عبارتند از: رئالیسم سنتی، رئالیسم ساختارگرا یا نورئالیسم، رئالیسم نوکلاسیک، رئالیسم خردگرا یا نهادگرا یا دو رگه (وکیل و همکاران، ۱۳۸۹). در ذیل در ابتدا به مهمترین مفروضه‌ها و اصول مشترک این نحله‌های رئالیستی و در ادامه به چگونگی همکاری در این رویکرد اشاره می‌شود.

#### ۱-۱- اصول و مفروضه‌های نظریه واقع‌گرایی

با توجه به اینکه واقع‌گرایی شاخه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد و دارای مبانی، اصول و ویژگی‌های گسترده‌ای است، در این بخش به مهمترین اصول و مبانی مشترک نحله‌های مختلف رئالیستی اشاره و از تعریف و توضیح آنها خودداری می‌شود.

##### ۱-۱-۱- دولت بازیگر اصلی روابط بین‌الملل

یکی از مفروضات اصلی رئالیستها این است که دولت کنشگر اصلی نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. واقع‌گرایان معتقدند بازیگران غیردولتی و سازمانهای بین‌المللی هیچ تأثیر قابل توجهی در آنچه در امور جهان می‌گذرد ندارند (Ozkan and Cem Cetin, 2016).

##### ۱-۱-۲- آنارشی در نظام بین‌الملل

به عقیده کنت والتز،<sup>۱</sup> پدر نوواقع‌گرایی، دولتها خود را ملزم به اجرای دستورات و قواعد سیستم بین‌الملل نمی‌دانند و در این سیستم، قدرت مرکزی برای نظارت بر اجرای احکام صادره وجود ندارد. از این رو نظام بین‌الملل آنارشیک است (Waltz, 1979). آنارشیک بودن نظام بین‌الملل به معنای نبود نظم و نسق و رفتار الگومند نیست، بلکه منظور نبود یک اقتدار مرکزی در نظام بین‌الملل است. بسیاری از اصول و مفروضه‌های رئالیستی از وجود آنارشی در روابط بین‌الملل حاصل می‌شود. یکی از این اصول خودیاری است.

##### ۱-۱-۳- خودیاری در روابط بین‌الملل

1- Kenneth Waltz

از نظر واقع‌گرایان، نظام بین‌الملل میدان مبارزه است که در آن کشورها به صورت بی‌رحمانه‌ای به دنبال فرصت‌هایی می‌باشند تا بتوانند از یکدیگر بهره برده و امتیاز بگیرند، اعتماد جایی در این عرصه ندارد. بنابراین به خاطر وجود آنارشی، این به عهده یکایک اعضا است که برای حفظ خود در مقابل تهدیدات خارجی روی پای خود بایستند (دویچ و دیگران، ۱۳۷۵).

#### ۱-۴- منافع ملی چراغ راهنمای سیاسی خارجی

مورگنتا مفهوم منافع ملی به عنوان «واقعیتی عینی» و مهم، جهت شناخت فکر و اقدام سیاست‌گذاران می‌داند. پیام اصلی او این است که منافع ملی «معیاری همیشگی است که با آن باید اقدام سیاسی را ارزیابی کرد» (سیف‌زاده، ۱۳۸۲). ماهیت سیاست جهانی به گونه‌ای است که کشورها تنها در چارچوب منافع ملی خود عمل کرده و لذا مفاهیمی همچون دوستی، اعتماد، انصاف و غیره قابلیت کمتری در روابط بین‌الملل دارد.

#### ۱-۵- تلاش برای کسب قدرت

به اعتقاد جفری هارت،<sup>۱</sup> قدرت را می‌توان با استناد به این سه شاخص مشاهده و ارزیابی کرد: الف: کنترل بر منابع؛ ب: کنترل بر بازیگران؛ پ: کنترل بر حوادث و نتایج آن‌ها (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۹). بر اساس سیاست خارجی واقع‌گرایانه، قدرت محور اصلی سیاست است و تلاش برای کسب قدرت برترین هدف سیاست خارجی تلقی می‌شود. در این راستا، کشورها علاوه بر تلاش برای افزایش قدرت خود، می‌بایست از افزایش قدرت دیگران نیز جلوگیری کنند (آران و آلدن، ۱۳۹۳).

#### ۱-۶- رقابت و ستیز میان دولت‌ها

در محیط آنارشیک بین‌المللی به علت کمبود منابع حیاتی، دولت‌ها به نزاع، و برای تأمین امنیت، بازار و سایر منابع در راستای منافع ملی به رقابت می‌پردازند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸). در واقع جهان رقابت و مبارزه‌ای دائمی بین دولت‌ها تحت شرایط کمیابی و محدودیت‌ها است (Schweller, 1997).

#### ۱-۷- عدم توجه به اصول اخلاقی، نهادها و حقوق بین‌الملل

واقع‌گرایان در تلاشند تا واقعیت‌های موجود در نظام بین‌الملل را آنگونه که هست بازگو کنند و معتقدند با درس‌های اخلاق و شعار نمی‌توان واقعیت‌ها را دگرگون و اصلاح کرد. از نظر آنها سازمان‌های بین‌المللی متغیرهای وابسته قدرت هستند و نمی‌توانند نقش چندانی در تحولات جهانی داشته باشند (پوراحمدی و قنبری مزیدی، ۱۳۹۲).

#### ۱-۸- اقتدارگرایی در داخل؛ ایجاد و حفظ نظم و امنیت

در نگرش رئالیستی به دلیل اینکه ذات بشر شرور است و در جستجوی رفع نیاز و ارضای آز و طمع خود است، به دیگران تجاوز کرده و بذر ترس را در دل هم‌نوع خود می‌کارد. بنابراین دولت مقتداری به نام لویاتان<sup>۲</sup> می‌بایست در ازای

1- Jeffrey Hart

1- Leviathan

سلب آزادی انسانهای آزمند و نیازمند، به آنها امنیت عطا کند (نصری، ۱۳۸۶). بنابراین برای دولت رئالیستی نظم و امنیت مهمتر از آزادی افراد در داخل است. با این تفاسیر این سؤال مطرح می‌شود که رئالیستها همکاری‌های فراملی را چگونه تبیین می‌کنند؟ در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود.

## ۱-۲- همکاری در چارچوب نظریه رئالیسم

از نظر واقع‌گرایان آنارشی، رقابت و تعارض را در میان دولتها رشد می‌دهد و مانع اراده آنها در جهت همکاری حتی در هنگامی می‌شود که منافع مشترکی دارند. در نظام آنارشیک با وجود اینکه دولتها ممکن است از همکاری و همگرایی سود اقتصادی ببرند، اما عواید اقتصادی تحت‌الشعاع منافع سیاسی قرار می‌گیرد. دولتها همواره از چگونگی توزیع عواید ناشی از همکاری نگرانند و می‌ترسند که دیگران بیشتر از آنها از همکاری سود ببرند. بنابراین کشورها به موقعیت نسبی خود در همکاری با دیگران اهمیت می‌دهند و اگر همکاری در خدمت این منافع نهایی نباشد، شکننده خواهد بود (Bayeh, 2014). مسئله دیگر به خدعه و فریب و در نتیجه ترس دولتها از درگیر شدن در موضوع همکاری مربوط است. زیرا، در وضعیت آنارشی، در صورتی که منافع اساسی کشورها مطرح باشد، این امکان وجود دارد که آنها به خدعه و فریب متوسل شوند (قاسمی، ۱۳۸۴). به‌طور کلی، اعتقاد واقع‌گرایان به ناهماهنگی منافع در جهان، و تأکید آنان بر منازعه‌آمیز بودن روابط بین‌الملل، چشم‌انداز همکاری را در این دیدگاه تضعیف کرده است.

رئالیستها نمی‌گویند که همکاری‌های بین‌المللی غیرمحمول یا کم اهمیت هستند، بلکه معتقدند دولتها طبیعتاً زمانی همکاری می‌کنند که منافعشان از این همکاری تأمین شود. به اعتقاد آنها واقعیت‌های سیاسی دولتها را ناگزیر می‌سازد که تعهداتی را بپذیرند و اینکه منافع قدرتمندترین دولتها معنای همکاری را مشخص می‌کند (Dunoff, 2000). بنابراین همکاری بین‌المللی در وضعیت آنارشیک به تحریک و احتمالاً هدایت کشورهای مسلط و قدرتمند نظام بین‌الملل صورت می‌گیرد؛ همکاری و اتحادی که مصلحتی و غیراصیل است. به اعتقاد واقع‌گرایان دولتها در صورت مناسب بودن شرایط و در راستای منافع خود با سازمان‌های بین‌المللی همکاری می‌کنند. در نتیجه، سازمانهای بین‌المللی تا زمانی که به کشورها اجازه می‌دهند منافع خود را دنبال کنند و به کشورها برای دستیابی به منافع نسبی کمک کنند، به حیات خود ادامه می‌دهند (Bayeh, 2014). بدین ترتیب در نظریه واقع‌گرایی همواره رقابت و تعارض بر سر منابع کمیاب در محیط آنارشی صورت می‌پذیرد. در این مسیر همکاری به ندرت اتفاق می‌افتد و بازیگران دائماً به فکر افزایش قدرت خود و کاستن از قدرت رقیب بر مبنای بازی با حاصل جمع صفر هستند. این ملاحظات در موارد بحران در روابط بین‌الملل اهمیت بیشتری می‌یابد. بویژه در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ شاهد اهمیت اصول و مفروضه‌های رئالیستی در روابط بین‌الملل می‌باشیم. واقع‌گرایان با تأکید بر ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، معتقدند همه‌گیری ویروس کرونا کشورها را به سمت اتخاذ راهبردهای ملی‌گرایانه سوق داده است، به گونه‌ای که برای مبارزه با ویروس کرونا در داخل اقتدارگرایی پیشه کرده و در عرصه نظام بین‌الملل با بی‌توجهی به نهادها و سازمان‌های بین‌الملل، به رقابت برای کسب منابع بیشتر و استفاده از ضعف دیگران برای افزایش قدرت خود پرداخته‌اند. بنابراین منافع ملی همچنان چراغ راه



کشورها، بویژه قدرت‌های بزرگ قرار دارد و رقابت و ستیزش آنها برای کمک به شهروندان خود، بدون توجه به منافع مشترک بشری نمود زیادی یافته است. در ادامه با شرح اقدامات داخلی و بین‌المللی کشورهای مختلف در مبارزه با ویروس کرونا، به چگونگی احیای اصول و مبانی نظریه واقع‌گرایی در راهبرد آنها پرداخته می‌شود.

## ۲- سیاستهای رئالیستی دولتها در مبارزه با ویروس کرونا در سطح داخلی

### ۲-۱- همه‌گیری کرونا و تغییر رفتار داخلی کشورها

لیبرالها معتقدند که با گسترش دموکراسی و جامعه مدنی، شاهد رعایت بیش از پیش حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان هستیم و دخالت دولت در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم به حداقل خود می‌رسد. ولی مسئله‌ای که بعد از شکل‌گیری بحران کرونا اتفاق افتاد باعث تغییر رفتار دولتها شد، که در ادامه به این مسئله پرداخته می‌شود.

### ۲-۱-۱- افزایش اختیارات دولتها

در برداشت‌های واقع‌گرا، مصلحت سیاسی توجیه‌کننده همه چیز است و هدف اصلی حفظ نظم و امنیت و مبارزه با آشوب است. در زمانه‌های بحران/آشوب، دولتها به بهانه نگهداشت امنیت زمام امور را در دست می‌گیرند. کرونا ویروس نشان داد که «امر خطیر» رخ داده است؛ موضوعی که دولتها همیشه آن را از جنس سیاست حاد به شمار می‌آوردند و کوشش می‌کنند تا هرچه بیشتر زمام امور را به دست گیرند (خلیلی، ۱۳۹۹)، زیرا از کارویژه‌های اصلی دولتها تأمین امنیت است. در این میان دولتها برای اینکه بتوانند اوضاع را تحت کنترل بگیرند و نظم و امنیت را بیشتر اعمال کنند، برای مهار کرونا اختیارات خود را گسترش داده‌اند که این مسئله با اصول اساسی لیبرالیسم مغایرات دارد. در ذیل نمونه‌هایی از افزایش اختیارات دولتها در هنگامه همه‌گیری ویروس کرونا ذکر می‌شود.

دولتها از ظرفیت خود برای غلبه بر این ویروس و بحران بزرگی که ایجاد کرده استفاده می‌کنند. با توجه به خطر شیوع این ویروس، چندین کشور وضعیت اضطراری ملی اعلام کردند. این کشورها برای مهار همه‌گیری اختیارات خود را به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش داده و اقدامات سختگیرانه‌ای را برای کنترل این بیماری در دستور کار قرار دادند (Conde and Pataud, 2020). به‌عنوان نمونه، در مجارستان قانونی تصویب شد که طی آن پارلمان این کشور به نخست‌وزیر، ویکتور اوربان،<sup>۱</sup> اختیارات گسترده‌ای را برای مدت زمان نامحدود داد. همچنین صراحتاً ذکر شده است که تا زمانی که وضعیت اضطراری ادامه دارد، هیچ انتخاباتی برگزار نخواهد شد و انتشار «اطلاعات نگران‌کننده» با مجازات زندان همراه خواهد شد. در آلمان، رئیس بوندستاگ،<sup>۲</sup> ولفگانگ شوبل،<sup>۳</sup> پیشنهاد شکل‌گیری «پارلمان اضطراری» با تعداد کم نمایندگان را داد که صراحتاً مخالف قانون اساسی آلمان است (Carothers, 2020). در فیلیپین، پارلمان در راستای اختیارات اضطراری، تصویب یکجانبه قوانین را به اختیارات رئیس‌جمهور رودریگو دوترته،<sup>۴</sup> اضافه نموده است. بر این مبنا دوترته

1- Viktor Orbán

1- Bundestag

2- Wolfgang Schäuble

3- Rodrigo Duterte

رسانه‌های خبری مانند سی‌ان‌بی‌سی و ای‌بی‌سی که جزو رسانه‌های اصلی فیلپین هستند را بسته و متحدان وی در مجلس قانون‌گذاری فیلپین اختیارات اضطراری گسترده‌ای به رئیس‌جمهور داده‌اند که برای مبارزه با ویروس کرونا است. طبق قانون جدید، دولت حتی اختیار دستگیری افراد را نیز دارد (Kurlantzick, 2021). به همین ترتیب، به‌طور مشابه در کامبوج، پیش‌نویس قانون جدیدی در مورد وضعیت اضطراری ملی که طی آن دسترسی نامحدود به نیروی نظامی را به دولت می‌دهد نوشته شد (Hänel, 2020). در سنگاپور دولت ضمن استخدام کارآگاهان و حتی نیروهای پلیس مواد مخدر، به تمرکز قدرت بیش از دیگر کشورها دامن زده است (Brow, 2020). موارد و نمونه‌های دیگری را نیز می‌توان به عنوان شاهد آورد. این در حالی است که موارد نقض شده در بالا، همگی ذیل دال مهم «مردم‌سالاری» در چارچوب گفتمان جهانی شدن قرار دارد.

## ۲-۱-۲- ورود به حریم خصوصی شهروندان

آنچه مسلم است موضوع دموکراسی یک نماد عالی برای اکثر حکومتها است که در این بحران به‌صورت انفعال سیاسی شهروندان، خود را بروز داد. دولت به نمایندگی از مردم، مأمور مقابله با مصیبت کرونا شد؛ تا آنجا که حتی ورود آن به حریم خصوصی مردم، برای حفظ جان آنها از خطر این ویروس با استقبال مردم مواجه شده است. به سخن دیگر، در شرایط تهدید دولتهای دموکراتیک و اقتدارگرا حفاظت از مرزها و حمایت از سلامت و معیشت شهروندان را وظیفه اصلی خود می‌دانند. دولتهایی که این تفکر هابزی را برآورده نساژند، شکست خواهند خورد. از این‌رو، اکثر دولتها با دستاویز مبارزه با ویروس کرونا امکان گسترش نظارت و ایجاد کنترل سیاسی حتی قویتر از گذشته را خواهند داشت. روشن نیست بعد از پایان این تهدید جهانی، چه میزان از مردم خواهان بازگشت آزادی‌های سابق خواهند بود. مسلماً، افرادی که به دولتهای قدرتمند اعتقاد دارند، تأمین امنیت عمومی و نیازهای اجتماعی را بر آزادی‌های فردی و همکاری‌های بین‌المللی ترجیح خواهند داد (Legrain, 2020). در هر صورت کشورهای زیادی سعی کرده‌اند با ابزار و تکنولوژیهای نوین شهروندان را هر چه بیشتر تحت نظارت و کنترل داشته باشند. نمونه‌های زیادی را می‌توان در این مورد ذکر کرد. کرونا به دولتها این امکان را داده است تا در مقابل جامعه مدنی، به طور مداوم قدرت را بر شهروندان خود اعمال کنند. استفاده چین از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای نظارت بر شهروندان خود به دلیل مدیریت COVID-19، به‌صورت گسترده‌ای انجام می‌شود (Taylor Woods, et al, 2020). برنامه‌های ردیابی مخاطب که مکان فرد را ردیابی می‌کنند، در اوایل شیوع به‌ویژه در تعدادی از کشورهای آسیایی مانند چین و کره جنوبی (به دنبال آن روسیه، آفریقای جنوبی، اسرائیل، هند و غیره) به تصویب رسیده‌اند. سنگاپور یکی از اولین برنامه‌های مبتنی بر مجاورت (متمرکز) را برای کمک به ردیابی تماس به کار گرفت. استرالیا یک برنامه مشابه را راه‌اندازی کرد. در اتحادیه اروپا، از ۳۰ ژوئن ۲۰۲۰، برنامه‌های ردیابی تماس رسماً تأیید شده برای استفاده در ۱۲ کشور عضو در دسترس بود، در حالی که حداقل شش کشور عضو دیگر در حال بررسی یا آماده‌سازی چنین برنامه‌هایی بودند (Dumbrava, 2020).

در اسرائیل و کره جنوبی، دولت‌ها از داده‌های مکان تلفن‌های هوشمند برای ردیابی شهروندانی که ممکن است در معرض ویروس باشند استفاده می‌کنند. در هنگ‌کنگ، افراد تازه‌وارد باید مجبدهای ردیابی مکان الکترونیکی داشته باشند. سنگاپور ردیابی تماس گسترده‌ای را انجام می‌دهد و اطلاعات دقیق در مورد هر مورد شناخته شده را منتشر می‌کند. در حالی که نظارت پیشرفته به خودی خود ضد دموکراتیک نیست، خطرات سواستفاده سیاسی از این اقدامات بسیار مهم است، به‌ویژه اگر بدون شفافیت و نظارت مجاز باشد. این همه‌گیری توجه بیشتری برای استقرار سیستم‌های مزاحم‌تر و مداخله‌کننده‌تر از جمله استفاده گسترده از تشخیص چهره و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی به دولت‌های چین، روسیه و سایر کشورها داده است (Brow, 2020). در روسیه بحران کرونا فرصتی را برای مقامات روسی فراهم کرد تا توانایی‌های جدید نظارت را مجهز به سیستم‌های ردیابی شناسایی و شناسایی موقعیت مکانی ایجاد کنند (Huang, 2020).

برخی نظریه‌پردازان معتقدند این اپیدمی ممکن است نقطه عطفی در تاریخ تجسس و پایدن زندگی خصوصی افراد از طرف دولت‌ها را رقم بزند، زیرا که دولت‌ها این فرصت را یافته تا برای کنترل اپیدمی، هرچه بیشتر از تکنولوژی پیشرفته مانند اپلیکیشن‌های تلفن همراه، برای نظارت بر رفتار شهروندان استفاده کنند. با سیستم‌های نظارتی جدیدی که دولت‌ها قصد دارند سلامتی شهروندان را رصد کنند، مانند دستبند بیومتریک (زیست‌سنج) که هر شهروندی بر دست خود خواهد بست، دولت می‌تواند نه تنها از بیماری‌های آنها باخبر شود، بلکه این سیستم تجسسی بیومتریک قادر است احساسات افراد در مکان و زمان‌های مختلف را هم کنترل کرده و این خود به ایجاد و تقویت رژیم‌های تمامیت‌خواه یاری رسانده و آزادی‌های مدنی را از ما سلب کند (Harari, 2020).

## ۲-۱-۳- مداخله در اقتصاد

مطابق با ایدئولوژی لیبرالیسم دولت‌ها حق دخالت در اقتصاد را ندارند و افراد و شرکت‌ها در قالب بخش خصوصی با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. ولی تعطیلی کسب و کارها باعث بروز بحران اقتصادی در اکثر کشورها شده و دولت‌ها برای تعدیل پیامدهای ناشی از کرونا، برنامه‌های گسترده مالی در پیش گرفته‌اند. ژاپن در این بین پیشگام بوده و حدود ۲۰ درصد اقتصاد کشور را به این کمک‌ها اختصاص داده است. در ژاپن دولت اقدام به اعطای یارانه‌هایی به ۳ میلیون شرکت و ۱۰ میلیون کارمند این کشور نموده است (شفیعی سیف‌آبادی و باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۹). آمریکا نیز در دوران کرونا شاهد مداخله و کمک فزاینده دولت فدرال بوده و همین امر باعث بدبپی چند هزار میلیارد دلاری آن شده است. کشورهایی نظیر استرالیا، کانادا، بریتانیا و برخی دیگر کشورها نیز از این حیث در رده‌های بعدی هستند. جالب این است که اغلب این کشورها همان‌هایی هستند که از نظر شاخص‌های لیبرالی و منع مداخله دولت معمولاً در صدر رده‌بندی‌های جهانی هستند (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۹). بنابراین مشخص می‌شود که حتی دولت آمریکا علیرغم اینکه باوفاترین حکومت به سیستم اقتصاد آزاد (لیبرال) است، ناچار به حمایت از اقتصاد بنگاه‌های کوچک و بزرگ و خانوارهای آمریکایی شده است.



در هر صورت محدودیت تجارت، صادرات و ممنوعیت سفر و بستن مرزهای ملی کشورها، اقتصاد و سیاست را ملی‌تر می‌کند. سران کشورها اقداماتی را برای گسترش تولید داخلی در بخش‌های مهم استراتژیک از جمله صنایع غذایی و دارویی انجام می‌دهند، سیاست حمایت دولت از تولیدکنندگان داخلی دوباره جان می‌گیرد. هدف محدود کردن تجارت بین‌المللی نیست، بلکه ایجاد یک بازار داخلی قابل اعتماد است که آسیب‌پذیری کمتری به بحرانها و چالش‌های ناشی از تجارت جهانی داشته باشد و به جای تکیه بر خارج، به سیاست‌های ملی و داخلی خود برای تأمین نیازهایشان متکی باشند (Kadomtsev, 2020).

## 2-1-4- محدود کردن رسانه‌ها

دولتها در دوران شیوع کرونا به شدت در امور رسانه‌ها مداخله کرده و آنها را محدود ساخته‌اند، به نحوی که سازمان گزارشگران بدون مرز که هر ساله رده‌بندی جهانی آزادی مطبوعات را اعلام می‌کند، امسال در گزارش ۲۱ آوریل ۲۰۲۰ خود علاوه بر اعلام رده‌بندی جهانی نسبت به محدودسازی آزادی مطبوعات به دلیل شیوع کرونا هشدار داد و تفاوت اساسی این دوره از نظر سازمان مذکور این است که فعالان رسانه‌ای حتی در کشورهای نسبتاً دموکراتیک نظیر مجارستان، اسپانیا، ژاپن، برزیل، لهستان، رومانی و غیره، و نیز در جریان شیوع کرونا با محدودیت‌های خبررسانی و مطبوعاتی مواجه شده‌اند (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۹). عنوان نمونه ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، یک وضعیت اضطراری نامحدود را ایجاد کرد که به او امکان می‌دهد با اختیارات بیشتری عمل کند. بر این اساس روزنامه‌نگاران را می‌توان به دلیل انتشار اطلاعات نادرست، تا پنج سال زندانی کرد. به همین ترتیب، با عنوان مبارزه با اطلاعات نادرست در هنگام شیوع همه‌گیری، از نیروهای اضطراری فوق‌العاده در تایلد و فیلیپین استفاده شد. این اختیارات به مقامات تایلد اجازه می‌داد تا رسانه‌ها را سانسور یا تعطیل کنند (Huang, 2020).

## 2-1-5- اقتدارگرایی دولتها

رکود اقتصادی عمیقی که به دلیل اقدامات دولتها برای مقابله با همه‌گیری ویروس کرونا صورت گرفته است، می‌تواند آمادگی عموم مردم کشورهای جهان را برای پذیرش مدل‌های اقتدارگرایی دولت افزایش دهد. از این گذشته، این یک واقعیت کاملاً ثابت شده است که رهبران اقتدارگرا در شرایط ترس و بحران رشد می‌کنند. در حالی که صندوق بین‌المللی پول هشدار داده است که اقتصاد جهانی خود را در بدترین رکود اقتصادی پس از رکود بزرگ قرار می‌دهد (Lika, 2020). اولویت نیازهای اجتماعی و مبارزه با ویروس کرونا، آزادی‌های فردی را تحت الشعاع قرار داده و دولت اقتدارگرا را توجیه کرده است (Legrain, 2020).

به منظور به تصویر کشیدن روند اقتدارگرایی می‌توان گفت در اواخر آوریل ۲۰۲۰، بیش از ۸۴ کشور قوانین اضطراری را تصویب کرده‌اند تا به مجریان قدرت بیشتری برای مدیریت ویروس کرونا بدهند. تحقیقات نشان می‌دهد که موارد اضطراری اغلب با افزایش خطر خودکامگی مرتبط است. قبل از همه‌گیری، بیش از یک سوم جمعیت جهان در کشورهای غیردموکراتیک زندگی می‌کردند. همه‌گیری با تقویت ۴۸ کشور در معرض خطر عقب‌گرد همه‌گیری و ۳۴ کشور در

معرض خطر متوسط، روندهای ضد دموکراتیک را تقویت کرده است. در حالی که فوریت و حضور ویروس کرونا از بین می‌رود، اما تأثیر اقدامات استبدادی و نهادهای نهادی احتمالاً باقی خواهد ماند (Huang, 2020). مسئله این است که کشورهای اقتدارگرا نمونه‌های موفقتری نسبت به کشورهای دموکراتیک در مبارزه با همه‌گیری ویروس کرونا هستند. با این حال، شکست بسیاری از کشورهای دموکراتیک، به ویژه ایالات متحده، در کنترل سریع ویروس و روند معکوس در چین به تقویت مشروعیت داخلی حزب کمونیست چین کمک کرده است. این مسئله باعث شد بسیاری از چینی‌ها به این باور برسند که یک دولت اقتدارگرا گزینه بهتری برای چین به‌ویژه در مواقع بحرانی است (Huang, 2020). بنابراین اینگونه به نظر می‌رسد که شیوع ویروس کرونا تنها روند اقتدارگرایی را سرعت بخشیده، بلکه موفقیت اکثر کشورهای اقتدارگرا نسبت به کشورهای دموکراتیک یک نوع تبلیغ برای این ایدئولوژی نیز محسوب می‌شود.

## ۲-۲- شکل‌گیری ناسیونالیسم

به‌طور کلی یکی از پیامدهای شیوع ویروس کرونا تقویت ناسیونالیسم بود. در ذیل به این مسئله در قالب چند موضوع پرداخته می‌شود. به اعتقاد والت، بحران کرونا بار دیگر نشان داد که هنوز هم دولت‌ها یگانه بازیگر اصلی برای حفظ امنیت و جان مردم خود هستند و شهروندان نیز در چنین مواقعی همین نگاه را به دولت‌ها دارند (Walt, 2020). همانطور که واقع‌گرایان انتظار دارند، هنگام بروز بحران‌ها، ابتدا شهروندان به سازمان‌های بین‌المللی، حتی سازمان بهداشت جهانی یا NGOها مراجعه نمی‌کنند. این دولتهای ملی خودشان هستند که شهروندان می‌خواهند اقدامات لازم را برای محافظت از آنها در برابر تهدید و تأمین اقدامات امدادی انجام دهند. بنابراین -ملت یکبار دیگر ثابت می‌کند که بازیگر اصلی سیاست جهانی است (Kliem, 2020). مسئله بعد ملی‌گرایی است. به گفته محققان، بحران‌های بهداشتی، مانند سایر بحران‌ها، می‌تواند احساسات ملی‌گرایانه افراد را برانگیزد و انسجام بیشتری را در داخل کشورها ایجاد کرده و همزمان رقابت و خصومت را بین کشورها ایجاد کند (Su and Shen, 2020).

کرونا در سطح بین‌المللی سبب شد تا بسیاری از کشورها سیاست ایزوله‌سازی ملی را در پیش گیرند. آنها مرزهای خود را بر همسایگان بستند، رفت و آمدهای هوایی و زمینی را دریایی را بسیار محدود و حتی قطع کردند، ورود کالاهای مصرفی و غیرمصرفی را محدود و تحت کنترل بسیار شدید بهداشتی قراردادند و بسیاری از برنامه‌ها و همکاریهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق در آوردند. این آغاز رواج ناسیونالیسم جدیدی بود که بر حراست از خود در چارچوب مرزهای سرزمینی و اتخاذ سیاست دفاعی و حتی تهاجمی در قبال این بیماری تأکید دارد (ماحوزی، ۱۳۹۹). رئالیست‌ها خودیاری ملی و ذهنیت «اول خودمان» که اکنون در اثر شیوع کرونا در معرض نمایش است را یادآور می‌شوند. اکنون ناسیونالیسم و خودیاری در همه کشورها، حتی اتحادیه اروپا نیز وجود دارد. هنگامی که ویروس به سرعت در ماه مارس ۲۰۲۰ گسترش یافت، اتحادیه اروپا نیز مسافرت‌های شهروندان خود را محدود کرد، کشورهای عضو به طور یکجانبه مرزها را بستند، وسایل مهم پزشکی را به نفع خود مصادره و زنجیره‌های عرضه غذا را مختل کردند (Moloney, 2020).

اعضای اتحادیه اروپا این کار را می‌کنند، زیرا در وضعیت بحرانی این منافع ملی آنهاست که مقدم است. به عنوان نمونه وقتی ایتالیا از شرکای اروپایی خود درخواست ماسک و تجهیزات کرد، آنها با بستن مرزهای خود و احتکار لوازم پزشکی برای مصارف داخلی پاسخ دادند. شعار «هر کشوری برای خود»<sup>۱</sup> نه تنها کشورهایی را به رهبری رهبران ناسیونالیست، بلکه سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا گسترش می‌دهد (Huang, 2020). اسپانیا و ایرلند، بیمارستانها و کلینیک‌های خصوصی را ملی نموده، مدیریت خدمات بهداشتی خصوصی را به دست گرفته و تجهیزات پزشکی را به نفع دولت توقیف کردند. در فرانسه، دولت ماسکهای طبی را توقیف نمود و صادرات تجهیزات پزشکی را ممنوع اعلام کرد. دولت ایتالیا صادرات دستگاه‌های تنفسی را ممنوع اعلام نمود و همه خدمات بهداشتی و پزشکی خصوصی و تجهیزات آنها را در اختیار خود گرفت (بهمنی و شهبازیان، ۱۳۹۹).

در مورد هژمونی لیبرال نیز باید گفت در بحران‌های جهانی قبلی - مانند بحران مالی سال ۲۰۰۸ و همه‌گیری ابولا در سال ۲۰۱۴ - ایالات متحده آمریکا نقش رهبر و مدیر جهانی را بر عهده گرفت. اما دولت فعلی ایالات متحده از منصب رهبری کناره‌گیری کرده است. ترامپ بیان کرده است که بیش از آینده بشریت به عظمت آمریکا اهمیت می‌دهد (Harari, 2020). بعد از شیوع ویروس کرونا و درگیری شدید آمریکا با این ویروس که صدمات و هزینه‌های زیادی را برای آمریکا به بار آورد، این کشور نیز مانند سایر کشورها به ملی‌گرایی روی آورد. اگرچه قبل از آن نیز ترامپ این رویکرد را در پیش گرفته بود. ترامپ در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل ابراز داشت: «آمریکا همیشه استقلال و همکاری را به جای دولت جهانی، کنترل و سلطه انتخاب خواهد کرد» (Huang, 2020).

بنابراین بحران کرونا نشان داد که کشورها در همه شرایط نمی‌توانند به کمک همسایگان و متحدان خود و هژمونی لیبرال متکی باشند. کرونا با محدود کردن صادرات داروهای نجات‌بخش موجب شد ایده «بومی‌سازی تولید انواع محصولات به دلایل امنیت ملی ضرورت» رونق بگیرد (Roberts and Lamp, 2020). بدین ترتیب «ملی‌گرایی پزشکی»<sup>۲</sup> رخ داد که بر مبنای آن، پشتیبانی قوی از اولویت‌های پزشکی ملی، صرف‌نظر از هزینه‌های خارجی یا اثرات بالقوه آن صورت می‌گیرد. به دلیل کمبودها و نگرانی‌های داخلی، اولین پاسخ بسیاری از دولت‌ها کاهش همکاری‌های بین‌المللی است (Bieber, 2020).

بدین ترتیب هیچ رئالیستی از یادگیری خودیاری ملی، ذهنیت «ما اول» که در حال حاضر در معرض نمایش است، تعجب نخواهد کرد. ممنوعیت سفر و ورود، حمایت مالی داخلی، تضعیف همکاری‌های بین‌المللی و حمایت از داروسازی ملی در همه جا وجود دارد. حتی در تنها سازمان فوق ملی جهان، اتحادیه اروپا، شاهدیم که چگونه کشورهای عضو به آسانی اصول مقدس را «چهار آزادی حرکت (کالا، سرمایه، خدمات و مردم)» نقض می‌کنند (Basrur and Kliem, 2020). بنابراین کرونا منجر به ملی‌گرایی شده است. در این صورت همکاری‌های فراملی و جهانی تا حدود زیادی اهمیت

1- Every Country for Itself

2- Medical Nationalism

خود را از دست می‌دهند. به نظر می‌رسد کشورهایی که در آنها ملی‌گرایی رشد کند از همکاری‌های بین‌المللی پشتیبانی نمی‌کنند (Pevehouse, 2020). اگر در تاریخ نیز کمی به عقب‌تر برگردیم و به زمان جنگ جهانی اول نزدیک شویم، شاید زمان آنفولانزای اسپانیایی بهترین مثالی برای مقایسه با شرایط کنونی باشد. در طول و بعد از جنگ جهانی اول شیوع این ویروس، ظهور ملی‌گرایی افراطی و فاشیسم را به همراه داشت (Schäffer, et al, 2020). به نظر می‌رسد این چرخه ادامه داشته باشد.

### ۳- سیاست خارجی رئالیستی دولتها در مبارزه با ویروس کرونا

علاوه بر اقدامات رئالیستی داخلی صورت گرفته توسط دولتها برای مبارزه با ویروس کرونا، در خارج از مرزها نیز سیاست دولتها از تغییر رویکردی حکایت می‌کند که نشانه‌های رئالیستی دارد.

#### ۳-۱- تعارض و رقابت قدرتهای بزرگ

نحوه تعامل قدرتهای بزرگ در شرایط کنونی و قالب بودن رویکردهای رقابت‌جویانه در قبال یکدیگر سبب شده است که این قدرتها نتوانند در موقع بروز و ظهور تهدید امنیتی نرم و برای مقابله با آن، از جمله در مورد چالش ویروس کرونا با یکدیگر به درستی تعامل کنند.

همانطور که جامعه جهانی و اقتصاد جهانی با COVID-19 دست و پنجه نرم می‌کنند، امریکا به طور فزاینده‌ای بر چین فشار می‌آورد. ترامپ، جریمه نکردن چین را در مراحل اولیه شیوع ویروس سرزنش کرد. ترامپ حتی فراتر رفت و ویروس کرونا را ویروس چینی نامید. وی به طور علنی نظریه‌ای را تأیید کرد که ویروس کرونا ریشه در مؤسسه ویروس‌شناسی مستقر در ووهان دارد، و این بدان معنی است که این ویروس عمده‌ا توسط چین ساخته شده است (Fayyaz and Malik, 2020). بعد از اینکه امریکا چین را مقصر اصلی شیوع ویروس کرونا در جهان نامید، خصومت بین چین و ایالات متحده به گونه‌ای زیاد شد که خطر یک درگیری مسلحانه ظاهر شده بود (Huang, 2020). این دو کشور در هنگامه پاندمی کرونا با یکدیگر دچار تعارض هستند و این مسئله باعث شده است که همکاری‌های بین‌المللی برای مهار کرونا شکل نگیرد. بنابراین تغییر در نظم جهانی با روابط دوجانبه آشفته بین قدرتهای بزرگ که اخیراً و بیشتر پس از همه‌گیری COVID-19 مشاهده شده است، منجر به عدم همکاری بین‌المللی در مدیریت این بیماری همه گیر شده است (Javed and Chattu, 2020).

امروز هر قدرت بزرگ با یک رویکرد واقع‌گرایانه سنتی در سیاست قدرت هدایت می‌شود که بر این مبنا همکاری را نیز بر مبنای رقابت می‌سنجند و آن را بر مبنای بازی حاصلجمع صفر ارزیابی می‌کنند. به عنوان مثال، چین در میان این بیماری همه‌گیر وام و کمک به کشورها ارائه داده است و در بحران فرصتی می‌بیند تا، همانطور که رابرت اوبراین<sup>۱</sup> مشاور امنیت ملی ایالات متحده، بیان می‌دارد: «ایالات متحده را به عنوان قدرت جهانی پیشرو» به عقب براند. در حالی که به

1- Robert O'Brien

نظر می‌رسد برجسته‌ترین مدافعان نظم فعلی یعنی امریکا و اروپا، به هم‌ریخته و دارای شکاف شده‌اند، چین با پر کردن شکاف داخلی و تقسیم‌بندی داخلی غرب، فرصتی برای افزایش تأثیر جهانی خود می‌بیند (Huang, 2020). دانشمند سیاسی تاریک اوگوزلو<sup>۱</sup> استدلال کرده است، جهان در دوره «چند قطبی مورد مناقشه»<sup>۲</sup> قرار دارد، که در آن چالشگران هژمونی ایالات متحده برای نفوذ در صحنه بین‌المللی رقابت می‌کنند. او می‌نویسد، بیماری همه‌گیر کرونا باعث تشدید رقابت شده و قدرت‌های بزرگ را از تاکتیک‌های قدرت نرم مانند نفوذ و قدرت جذب به سمت، «قدرت تیز یا تند»<sup>۳</sup> که با زور و اجبار همراه است سوق داده است. به همین دلیل روسیه و چین تلاش‌های خود را برای متقاعد کردن مردم در سراسر جهان و همچنین دولت‌های خود برای محتاط بودن در مورد اظهارات آمریکایی تسریع کرده‌اند، سخنان جدیدی را مطرح می‌کنند که می‌گوید ایالات متحده تعهدات خود را در قبال توافق نامه‌های بین‌المللی را حفظ نمی‌کند و بنابراین یک «متحد ضعیف»<sup>۴</sup> محسوب می‌شود (Gvosdev, 2020). به رغم همکاری قدرتهای بزرگ در موارد گوناگون و بحرانهای مختلف، همانطور که اسکات بارت<sup>۵</sup> متذکر شده است، تلاش‌هایی مانند ریشه کن کردن آبله، که به مبلغی ناچیز نیاز داشت، تقریباً بنیانگذاری شده است، زیرا دولت‌ها همیشه می‌خواهند هزینه‌ها و بار همکاری را برای خود کاهش دهند، حتی اگر به نفع آنها همکاری باشد. استفان کراسنر<sup>۶</sup> نوشت که این نبردهای توزیعی بین‌المللی مانعی برای همکاری است. واقع‌گرایان دیگری مانند جوزف گریکو<sup>۷</sup> در بحث از چگونگی مشغول شدن دستاوردهای نسبی در برخی کشورها، این نگرانی‌ها را تکرار کردند (Busby, 2020). قدرت‌های بزرگ - ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه و اتحادیه اروپا - می‌توانند منابع‌شان را بیش از سایر دولتها بسیج کنند. اگر این چهار مورد با یکدیگر همکاری کنند، احتمالاً می‌توانند سریعتر بر بحران غلبه کنند که به نفع اقتصاد جهانی خواهد بود و می‌توانند به دیگران کمک کنند، اما روند در قرن بیست و یکم یک چیز است و آن افزایش رقابت بین قدرتهای بزرگ است، و ویروس کرونا آن را تشدید کرده است. در عوض، بسیاری از قدرتها از بحرانها به صورت یک ابزار برای رقابت با یکدیگر استفاده می‌کنند (Biscop, 2020). به طور خلاصه، از نظر توازن قدرت، همه‌گیری Covid-19 احتمالاً رقابت امنیتی را در جهانی که قبلاً چند قطبی برگزار شده است، تقویت می‌کند. بنابراین دستیابی به ایجاد استراتژی‌های برد-برد از طریق رویکردهای چند جانبه از جانب قدرتهای بزرگ بسیار دشوارتر می‌شود (Izmestiev and Klingebiel, 2020).

### ۳-۲- رقابت سایر کشورها

2- Tarik Oguzlu

3- Contested Multipolarity

۴- Sharp Power

5- Weak Ally

6- Scott Barrett

7- Stephen Krasner

8- Joseph Grieco

در هنگامه شیوع ویروس کرونا رقابت کشورهای مختلف جهان در مبارزه با ویروس کرونا به اشکال مختلف بروز یافته است. با گسترش بیماری، بسیاری از دولتهای لیبرال غربی محدودیت‌هایی در زمینه سفر و تجارت وضع کردند. فرانسه و آلمان در بازار آزاد بدون محدودیت اتحادیه اروپا، صادرات اقلام پزشکی مانند ماسک صورت را ممنوع اعلام کردند. این در شرایطی است که قبل از شروع شیوع ویروس کووید ۱۹، تولیدکنندگان چینی نیمی از ماسکهای پزشکی دنیا را می‌ساختند. این تولیدکننده‌ها به دلیل بحران کرونا تولید خود را افزایش دادند. اما دولت چین به طور موثری تمام ماسکهای موجود در بازار را خرید. افزون بر آن مقادیر زیادی ماسک و دستگاه تنفس از خارج کشور نیز وارد کرد. نتیجه خرید این اقلام پزشکی، بحران عرضه بود که مشکلات کشورهای دیگر در تأمین این کالاهای حیاتی را افزایش داد (Farrell and Newman, 2020).

بحران عرضه و افزایش تقاضا رقابت برای دستیابی به این محصولات بهداشتی را افزایش داد. دعوا بر سر تأمین ماسک که در محافل سیاسی و رسانه‌ای به «جنگ ماسک» معروف شد، ممانعت از صادرات اقلام پزشکی برای استفاده داخلی، بستن زود هنگام مرزها بدون هماهنگی و مشورت با همسایگان و یا بی‌توجهی به برخی قواعد تجارت بین‌الملل در تأمین اقلام پزشکی از جمله وقایعی هستند که روند ملی‌گرایی را در سطح روابط بین‌الملل تقویت کردند. به عنوان مثال اگرچه واکنش‌ها به ربوده شدن محموله ماسک سفارش داده شده برای پلیس برلین توسط آمریکا، تحت فشار ایالات متحده تلطیف شد، این اقدام آمریکا البته به آلمان‌ها آموخت که باید به دنبال «تهیه حرفه‌ای» ماسک بود (کوهکن و مالکی، ۱۳۹۹).

در بدترین موارد، کشورها بر سر توزیع منصفانه بسیاری از کالاهای پزشکی که می‌توانست جان انسانهای زیادی را نجات دهند، شروع به جنگ کردند. این طوفان سیتوکین<sup>۱</sup> ژئوپلیتیکی پیامدهای بلندمدتی خواهد داشت (صباغیان، ۱۳۹۹: ۱۲۶). بنابراین کشورهای توسعه‌یافته دموکراتیک در اروپا و آمریکای شمالی درگیر جنگهای مکرر، جنگی بر سر تقسیم منابع مانند ماسک، تجهیزات حفاظتی و ونتیلاتورها بوده و نسبتاً اقدامات اندکی برای اقدامات جمعی انجام داده‌اند (Basrur and Kliem, 2020). در هر صورت با توجه به تجهیزات پزشکی و دارویی محدود و کشورهای مختلف که به طور همزمان با شیوع بیماری مبارزه می‌کنند، ما شاهد تلاش‌های رقابتی کشورها برای اختصاص هرچه بیشتر منابع برای خود بوده‌ایم تا اینکه همبستگی جهانی را در نظر بگیریم (Busby, 2020). در روزگار کرونا، شاهد تشدید رقابت میان دولتهای ملی و کاهش جذابیت شعارهایی همچون همگرایی جهان و جهانی‌شدن بودیم. یکی از عرصه‌های این رقابت، آغاز رقابت در واکسن‌سازی و کشف داروی مناسب برای این ویروس است که به جای همکاری بین‌المللی شاهد رویکردهای حمایت‌گرایانه هستیم که توسط منطق منافع ملی هدایت می‌شود (Taylor Wood, et al, 2020). در همان روزهای ابتدایی، رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال خرید نقدی حقوق انحصاری واکسن برای ایالات متحده آمریکا از یک شرکت آلمانی برآمد. این ملی‌گرایی افسارگسیخته، به دزدیدن ماسک در آسمان نیز رسید و دولتها تلاش کردند با

1- اصطلاح سیتوکین در واقع ترکیبی از دو واژه یونانی Cyto به معنی سلول و Kinos به معنای جنبش است.

هر روش و ابزاری نیازهای اصلی شهروندان خود در حوزه بهداشت و درمان، تأمین خدمات ضروری اجتماع و تأمین کالاهای اساسی را به سرانجام برسانند (سرآبادانی تفرشی، ۱۳۹۹).

پاسخ کاملاً ملی به یک بیماری همه‌گیر جهانی در دامنه این گزاره واقع‌گرایانه جای دارد که دولتها در یک جهان خودیاری عمل می‌کنند. همانطور که بورهانتین دوران<sup>۱</sup> به صراحت گفته است: «کشورهایی که تجهیزات پزشکی یکدیگر را مصادره کرده‌اند، از یک جنگ اقتصادی تا مرگ عقب نخواهند نشست». در واقع، رقابت اقتصادی از این نظر بسیار مهم خواهد بود زیرا، قدرت اقتصادی عنصر سازنده قدرت نظامی است. کشورها نهایت تلاش را خواهند کرد تا عواقب اقتصادی همه‌گیری را محدود کنند تا باعث کاهش قدرت نظامی نسبی خود نشوند (Lika, 2020). این رقابت‌ها به حوزه تجارت نیز رسیده است. اگر توماس هابز اکنون زنده شود و ببیند که وضعی پدید آمده که همانند وضع طبیعی است که همگان در جستجوی افزون ساختن منافع فردی در سطح جامعه داخلی و جمعی در سطح اجتماع بین‌المللی هستند بسیار شادمان می‌شود، زیرا او پیمان اجتماعی را از ذهن و تجرید و انتزاع ساخته بود و در بند آن نبود که آیا مجرد قرارداد می‌تواند به پدبذاری انضمامی تبدیل گردد یا نه. ولی اکنون رؤیا نیست و به واقعیت تبدیل شده است (خلیلی، ۱۳۹۹). بدین ترتیب همه‌گیری ویروس کرونا رقابت‌های پیشین را تقویت کرده است، زیرا دولتها در این برهه زمانی معتقدند که اعتماد به یک جامعه بین‌المللی بی‌شکل و بی‌قاعده برای تضمین امنیت و رفاه ملی یک پیشنهاد خطرناک است. این همان چیزی است که آن را «پوپولیسم قدرت بزرگ» می‌نامیم (Gvosdev, 2020). آنچه اکنون وجود دارد رقابتی است که با بی‌اعتمادی در یک جامعه بین‌الملل بی‌شکل افزوده می‌شود، و هنگامی که پوپولیسم درگیر می‌شود، این رقابت‌ها شدیدتر می‌شود. بنابراین پوپولیسم قدرت بزرگ ناشی از کناره‌گیری از سیستم بین‌المللی یا جامعه بین‌المللی نیست ...، بلکه با بازنگری، اصلاح یا انقلابی در سیستم بین‌المللی با تأکید بر بازی حاصلجمع صفر است که معتقد به عبارت «گرفتن سهم عادلانه شما» است. بر این مبنا سعی در همکاری در هر مسئله‌ای نمایان می‌شود، اما بر این اساس باید منافع خود، رژیم، کشور، سیستم یا دولت به حداکثر برسد (Gvosdev, 2020).

می‌توان استدلال قابل اعتمادی ارائه داد که اکثر اعضای G-20 امروزه یا دارای دولتهایی هستند که صریحاً عناصر پوپولیسم قدرت بزرگ را تأیید می‌کنند - از جمله ایالات متحده، چین و روسیه، بلکه همچنین برزیل، ترکیه، هند، مکزیک و انگلیس - یا دولتهایی که باید این گرایشها را در سیاست‌های داخلی خود مطابقت دهند، مانند ژاپن، ایتالیا، فرانسه و آلمان. همانطور که دن گوتلیب<sup>۲</sup> و موردخای کیدار<sup>۳</sup> در تحلیل روابط منطقه‌ای در خاورمیانه استدلال کرده‌اند، ویروس کرونا «مفهوم برادری، تعهد متقابل و همبستگی را به عنوان شعارهای لفاظی توخالی» از بین برد. در عوض، هر دولت «با ادامه ویرانگری همه‌گیر»، تمام تلاش خود را برای زنده ماندن از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متمرکز

1- Burhanettin Duran

1- Dan Gottlieb

2- Mordechai Kedar





کرده است و به شدت در این مسیر با هم رقابت می کنند. این دیدگاه پیامدهای استراتژیک عمیقی دارد. این بدان معناست که شما کشورهایی دارید که صرف نظر از اظهارات علنی آنها برعکس، تمایل دارند که باور کنند که آسیب های همه گیری را کنترل کرده و سریعتر از کشورهای دیگر بهبود می یابند. این مسئله ترویج می شود که همه گیری رقبای آنها را ضعیف می کند و حتی ممکن است آنها را از همه جهت پایین بیاورد (Gvosdev, 2020).

### ۳-۳- حمایت های بشردوستانه یا سیاسی؟

به تبع شکل گیری ناسیونالیسم دولتها مترصد استفاده از موقعیت ها برای افزایش منافع ملی خود هستند. این مسئله نشان می دهد که رویکرد واقع گرایی بر سیاست خارجی کشورها حاکم است. در این قسمت شواهدی ارائه می شود که نشان می دهد کشورها چگونه در بهبود همه گیری کرونا به فکر منافع ملی خود هستند و حتی در کمک کردن سایر کشورها سعی می کنند منافع از دست رفته خود را اعاده کنند یا به منافع جدیدی دست یابند.

بیماری همه گیر به کشورها اجازه می دهد مواضع خود را تقویت کرده و مدل های سیاسی - اقتصادی خود را در سطح جهانی ارتقا دهند. در مورد چین، این کشور تلاش کرده است تا با ارسال تیم ها و منابع پزشکی به کشورهای مختلف در سراسر جهان «جاده ابریشم سلامت»<sup>۱</sup> را ایجاد کند. بر اساس گزارشی که توسط دفتر اطلاع رسانی شورای دولتی چین<sup>۲</sup> منتشر شد، این کشور از ژوئن به ۱۵۰ کشور و ۴ سازمان بین المللی پیشنهاد یا کمک کرده است. قدرتهای غربی از این تلاشها به دلیل قصدشان برای سوءاستفاده از بیماری همه گیر و پروژه تأثیرگذاری جهانی چین انتقاد کرده اند. اما چین در مناطقی که تأثیر اقتصادی و دیپلماتیک خود را از طریق طرح کمربند و جاده در سالهای اخیر پیش بینی کرده است، نفوذ بسیاری به دست آورده است (Huang, 2020). چین با ارسال کمک به کشورهایی مانند ایتالیا که در اثر ویروس متحمل خسارات انسانی زیادی شده اند، نفوذ و قدرت نرم خود را ایجاد می کند. این امر به پکن اجازه داده است تا روایت ویروس کرونا را در غرب کنترل کند و نشان دهد که در کاهش درد و رنج در سطح جهانی به طور فعالانه کمک می کند (Abdulrazaq, 2020).

پکن دور از نوع دوستی، قصد دارد بازنویسی روایت Covid-19 را انجام دهد. چین هرگز نمی خواهد به عنوان نقطه منشأ ویروس Covid-19 شناخته شود و همه گیری را فرصتی می داند که باید در رقابت با بازی حاصلجمع صفر برای تقدم جهانی از آمریکا جلوتر باشد. در ایتالیا و جاهای دیگر، «دیپلماسی ماسک» چین یک کودتای قابل توجه در روابط عمومی است. پکن می خواهد در غیاب رهبری آمریکا به عنوان یک تأمین کننده مسئول کالاهای بهداشت عمومی شناخته شود و از این رو، به سوی هدف اصلی خود، یعنی انباشت قدرت جامع نسبت به واشنگتن، پیشرفت کند (Basrur & Kliem, 2020).

3- health silk road

4- China's State Council InformationOffice



مثال دیگر در مورد کشور ترکیه است. دولت عدالت و توسعه در ترکیه برای به دست آوردن امتیازات سیاست خارجی و بازگرداندن امنیت هستی‌شناختی خود در صحنه بین‌الملل، به همه‌گیری ویروس کرونا متوسل شد. سیاست خارجی در واقع در مواقع بحران سلامت با کمک بشردوستانه به کشورهای دیگر که به فکر ایجاد مشروعیت و نفوذ جهانی است، به ملی‌گرایی گره خورده است. از آغاز شیوع، ترکیه تجهیزات و کمک‌های پزشکی مهم را به بیش از ۵۰ کشور از جمله متحدان ناتو خود مانند انگلیس، ایالات متحده، اسپانیا و ایتالیا و همچنین بسیاری کشورهای دیگر در بالکان، خاورمیانه و آفریقا ارسال کرد. ابتکار عمل موسوم به «دیپلماسی کرونا»<sup>۱</sup> در زمانی صورت گرفت که شهرت جهانی آنکارا بسیار پایین است. این بخشی از روایت بود که مخاطبان داخلی را با تقویت این ادعا که ترکیه بهتر از بسیاری از کشورهای پیشرفته از پس بحران برآمده است، هدف قرار داد. بطور همزمان، ترکیه قصد داشت تا چهره و اعتبار عمومی کشور خود را در سطح جهانی ارتقا دهد، بنابراین روایت «قدرت نرم» که توسط دولت ارائه شده است را بازسازی کند. جعبه‌های کمک پزشکی ارسال شده به متحدان ناتو با پرچم‌های ترکیه، مهر ریاست جمهوری و نقل قول از مولوی شاعر قرن سیزدهم مشخص شده است: «امید پس از ناامیدی و بسیاری از خورشیدها پس از تاریکی وجود دارد» (Gülseven, 2021).

ارائه پشتیبانی پزشکی از همسایگان نشان دهنده تمرکز ترکیه بر منطقه خود و کمک به بازگرداندن تصویر و آرمان‌های قدرت نرم آن در بالکان و خاورمیانه است. از طرف دیگر، همه‌گیری بهانه‌ای برای از بین بردن دلخوری طولانی مدت در روابط آنکارا با ایالات متحده و دیگر متحدان اروپایی و احتمالاً پایان دادن به انزوای خود در داخل ناتو فراهم می‌کند. کمک ترکیه به ایتالیا و اسپانیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، نه تنها به دلیل آسیب‌دیدگی در اروپا، بلکه کمک به آنکارا برای تشکر از رم و مادرید برای استقرار سیستم‌های دفاع هوایی برای محافظت از حریم هوایی ترکیه در برابر حمله احتمالی از سوریه. علاوه بر این، هر دو کشور به روند مذاکرات ترکیه در اتحادیه اروپا متعهد مانده‌اند. اردوغان در نامه‌ای به نخست وزیران ایتالیا و اسپانیا نوشت: «ترکیه نشان داد که این یک دوست واقعی است حتی زمانی که اتحادیه اروپا موانع مختلفی را برای حمایت ابراز داشت». کمک‌ها از طریق آژانس اضطراری ناتو ارسال شده و مورد استقبال اتحاد اروپا قرار گرفته است. در واقع، دبیرکل ناتو، جنس استولتنبرگ،<sup>۲</sup> کمک‌های ترکیه را تحسین کرد و در توییتر خود نوشت «همبستگی ناتو در عمل. مفتخر به دیدن متحدان حمایت از یکدیگر»، با هشتگ «قوی‌تر با هم». در پاسخ، ابراهیم کالین، سخنگوی ریاست جمهوری در توییتر خود نوشت: «ترکیه در زمان بحران و سختی در کنار متحدان خود ایستاده است. ما امیدواریم که متحدان ما نیز همین کار را انجام دهند»، که دلالت بر انتظارات بیشتر از حمایت و همبستگی ناتو در مبارزه با تروریسم و سایر مسائل امنیتی دارد. علاوه بر این، آنکارا اعلام کرد که به دلیل مشکلات ناشی از همه‌گیری، فعالیت سامانه‌های موشکی S-400 روسیه را به تأخیر می‌اندازد. چنین تحولاتی از یک سو، امنیت هستی‌شناختی ترکیه

1- Corona Diplomacy

2- Jens Stoltenberg

را با برقراری مجدد روال همکاری در ناتو که طولانی‌ترین پیوند نهادی این کشور با غرب است، تقویت می‌کند. در واقع، عضویت در ناتو در حال حاضر قوی‌ترین منبع ادعای آن برای داشتن یک کشور غربی است. از طرف دیگر، همبستگی COVID-19 همچنین به تأمین خودپنداری اتحاد فرا آتلانتیک در دوره‌ای کمک کرد که به طور فزاینده‌ای زیر سوال رفته است (Gülseven, 2021). به‌طور خلاصه، همه‌گیری مطمئناً به ارتقا جایگاه ترکیه در ناتو و همسایگی آن کمک کرده است. بدین ترتیب مشخص می‌شود که چگونه کشورها از ارائه کمکهای خود اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند و چگونه از این پاندمی بهره‌برداری‌های سیاسی می‌کنند.

بدین ترتیب شاهد روایتی واقع‌گرایانه از چگونگی برخورد داخلی و بین‌المللی کشورها در مقابله با ویروس کرونا و تعامل با یکدیگر بودیم. در هر صورت دیر یا زود، با همکاری یا رقابت کشورها، با فعالیت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی یا با انفعال آنها، ویروس کرونا شکست خورده و وضعیت عادی می‌شود. ولی مسئله این است که جهان بعد از شکست ویروس کرونا چگونه است؟ واقع‌گرایان، بر این باورند که جهان شاهد احیا و بازگشت دولت ملی و تقویت قدرت آن خواهد بود؛ جهانی شدنِ لیبرال مبتنی بر وابستگی متقابل تضعیف خواهد شد. نظم جهانی آینده پساکرونا شاهد روند رو به رشد ملی‌گرایی و در مقابل شاهد زوال هر چه بیشتر گلوبالیزم و هنجارهای مربوط به فرهنگ جهانی شدن خواهیم بود (رومی و کاظمی، ۱۳۹۹). واقع‌گرایان معتقدند کرونا موجب جدایی استراتژیک کشورها خواهد شد. پس از بحران کرونا ما شاهد تشدید رقابت بین آمریکا و چین و کاهش نقش غرب در تعاملات نظام جهانی خواهیم بود (Kadomtsev, 2020). در این میان ویروس کرونا مهمترین و بیشترین تأثیر منفی را بر آمریکا و اروپا داشته و روابط بین اعضای اتحادیه اروپا را نیز با «شکاف شمال-جنوب» و «شکاف شرق و غرب» دستخوش تحولات و تغییرات زیادی کرده است (شمسینی غیاثوند و جهانگیری، ۱۳۹۹). شیوع ویروس کرونا، رؤیای اروپای واحد و یکپارچه را بیش از هر زمان دیگری دور از دسترس کرده است. زیرا اتحادیه اروپا نمی‌تواند در زمان‌های بحرانی، یک مجموعه متحد واقعی باشد. و در پایان نیز باید گفت به باور واقع‌گرایان با شیوع این ویروس عالمگیر، زندگی انسان‌ها از نظر تحرک جسمی محدودتر و مجازیت‌ر از گذشته خواهد شد (Roberts & Lamp, 2020). بدین ترتیب واقع‌گرایان تغییر رفتار داخلی و بین‌المللی کشورها را که در نتیجه همه‌گیری بحران کرونا ایجاد شده، یک پدیده موقت نمی‌دانند و به پیامدهای طولانی مدت آن اذعان دارند.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش به پیامدهای داخلی و بین‌المللی شیوع ویروس کرونا بر نوع رفتار دولتها پرداخته شد. هدف این بود که با وجود ادعای لیبرالها و طرفدار جهانی‌شدن، رفتار واقع‌گرایانه دولتها در عرصه عمل نشان داده شود. واقع‌گرایی قرن‌ها رویکرد غالب در عرصه نظام بین‌الملل بوده و بزرگانی مانند ماکیاوولی، هابز، مورگنتا و والتر اصول آن مبتنی بر طبع شرور انسان، منفعت‌طلبی، ضرورت کسب قدرت و منافع ملی، آنارشی، خودیاری، موازنه‌قدرت و غیره را بیان داشته و تحولات نظام بین‌الملل منجمله جنگهای جهانی و جنگ سرد را تبیین کرده‌اند. بعد از پایان جنگ جهانی دوم و شکلگیری سازمان

ملل لیبرالها با بیان اینکه ایالات متحده امریکا به عنوان هژمونی لیبرال از ارزشها و اصول لیبرالیسم مانند حقوق بشر، دموکراسی و حکومت قانون، سرمایه‌داری و بازار آزاد و غیره حمایت کرده و آن در سطح جهانی گسترش داده است، با پایان جنگ سرد مدعی پایان سیاست قدرت و پیروزی ارزش‌های لیبرالیسم شدند. بویژه اینکه روند جهانی شدن به این موضوع تسریع بخشیده بود. لیبرالها مدعی شدند وابستگی متقابل و گسترش رژیم‌ها، نهادها و حقوق بین‌الملل آنارشی بین‌الملل را تخفیف داده و زین پس شاهد شکلگیری همبستگی جهانی و منافع مشترک بشری خواهیم بود. و لیکن واقع‌گرایان که اصول و مفروضه‌های واقع‌گرایی را به دلیل وجود آنارشی پایدار دانسته، مترصد فرصتی برای احیای نظریه خود بودند. بحرانهای بین‌المللی مهمترین موقعیت و فرصت پیش‌روی واقع‌گرایان برای احیای نظریه خود است. اولین عکس‌العمل دولتها، حتی دولتها لیبرال به بحران همه‌گیری کرونا و شیوع کووید ۱۹ عکس‌العملی رئالیستی بود. بستن مرزها و رجوع به ملی‌گرایی توسط دولتها صورت گرفت. اقتدارگرایی در داخل و ایجاد محدودیتهای بسیار برای مقابله با ویروس ضروری بود. برای دستیابی به منابع محدود بهداشتی و پزشکی در عرصه خارجی رقابت فرایندهای صورت گرفت و حتی دولتهایی که تا حدودی بحران را پشت سر گذرانده بودند کمک‌های خود را بر اساس ضرورت‌های سیاسی و منافع ملی انجام دادند نه بر اساس اصول انسانی و حقوق بشری. حتی هژمون لیبرال که زعامت و رهبری جهان لیبرال را بر عهده داشت بیش از سایر کشورها به ناسیونالیسم روی آورد. نهادها و سازمان‌های بین‌الملل نیز نتوانستند اقدامات مفیدی انجام دهند. تمام این موارد یادآور اصول و مفروضات واقع‌گرایی است. واقع‌گرایی به ما می‌گوید، دولتها بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل هستند و به دلیل کسری اعتماد سیستمی در امور بین‌الملل، به ویژه در مواقع بحران، دولتها به جای اقدام جمعی مشترک، به کمک‌های خودیاری و بازی با حاصلجمع صفر روی خواهند آورد. در مجموع می‌توان گفت واقع‌گرایی به عنوان یک استراتژی شناخت، از یکسو می‌تواند به فهم و درک ما از پیامدهای ظهور کرونا و ویروس مؤثر باشد و از سوی دیگر به دلیل تکیه بر عناصر و واقعیات موجود می‌تواند در پیش‌بینی و ارائه راهکارهای عملی جهت مقابله با بحران کرونا و ویروس مفید واقع شود. در این راستا می‌توان با ارزیابی و شناخت الگوی رفتاری بازیگران نظام بین‌الملل در دوره همه‌گیری ویروس کرونا، درک بهتری نسبت به قواعد بازی و رفتار بین‌المللی بازیگران اصلی نظام بین‌الملل فراهم آورد. این مسئله باعث افزایش شناخت محیط بین‌المللی شده و مسئولین بهداشتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌توانند با آگاهی بیشتری نسبت به محیط رفتاری بازیگران بین‌الملل در پی دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت بهداشتی و سیاسی ملی باشند.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- آران، امون، آلدن، کریس، ۱۳۹۳، رویکردهای جدید در تحلیل سیاست خارجی، ترجمه سید امیر نیاکوئی، مهدی زیبایی و رضا درویشی‌زanos، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- بهمنی، محمدعلی، شهبازیان، علی، حمایت از حق بر سلامت در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از بیماری‌های فراگیر جهانی با تکیه بر کووید ۱۹، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق و کرونا، دوره ۲۳، تابستان ۱۳۹۹، ۲۷۶-۲۴۵.
- پوراحمدی، حسین، قنبری مزیدی، مقداد، عوامل بحران کارکرد سازمان ملل متحد، سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲، ۳۵۱-۳۲۸.
- خلیلی، محسن، برساختن گمیشافت مجازی در روزگار کرونا، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۹، ۱۹۱-۱۵۷.
- خلیلی، محسن، بزنگاه کرونا و استغالیای نوین بین‌المللی، مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۹، ۳۲-۲.
- دویچ، کارل و دیگران، ۱۳۷۵، نظریه‌های روابط بین‌الملل (جلد دوم)، ترجمه وحید بزرگی، تهران: انتشارات ماجد.
- دوئرتی، جیمز، فالتزگراف، رابرت، ۱۳۸۸، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: قومس.
- رومی، فرشاد، کاظمی، احسان، کرونا ویروس؛ متغیری نوین در تحلیل کلان تحولات سیاسی و بین‌المللی، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۹، ۸۹-۶۳.
- سرآبادانی تفرشی، حسین، ۱۳۹۹، بازخوانی معنا و جایگاه نهاد دولت در روزگار کرونا، مجموعه مقالات کرونا مثبت، تهران: مرکز رشد دانشگاه امام صادق.
- سیف‌زاده، حسین، ۱۳۸۲، اصول روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.
- شفیعی سیف‌آبادی، محسن، باقری دولت‌آبادی، علی، بررسی تأثیر بحران کوید ۱۹ بر گفتمان جهانی شدن و آینده پیش روی آن، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۹، ۲۶۳-۲۲۳.
- شمسینی غیاثوند، حسن، جهانگیری، سعید، بررسی تأثیرات کرونا بر سیاست خارجی، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره ویژه نامه، تابستان ۱۳۹۹، ۲۴-۱.
- صباغیان، علی، تأثیر بحران کرونا بر همبستگی اتحادیه اروپا، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۹، ۱۵۶-۱۲۵.
- فاطمی‌نژاد، سید احمد، پیوند امر پزشکی و امر بین‌المللی: سیاست جهانی در معرض کووید ۱۹، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۹، ۳۸۶-۳۵۷.
- قاسمی، فرهاد، ۱۳۸۴، اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

- کوهکن، علیرضا، مالکی، مصطفی، بحران کرونا و ریاست دوره‌ای آلمان بر شورای اتحادیه اروپا، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۹، ۹۲-۱۲۳.
- ماحوزی، رضا، ۱۳۹۹، کرونا ویروس و دوگانه ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم، به کوشش حسین میرزایی، در کتاب جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- نصری، قدیر، روش شناخت در مکتب نئورئالیسم، مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۶، ۲۱۶-۲۳۸.
- وکیل، امیرساعد و دیگران، ۱۳۸۹، مروری بر مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

#### منابع انگلیسی

- Abdulrazaq, Tallha. (2020). International Relations and Power in the Coronavirus Age. TRT World. 30 Mar 2020. Available at: <https://www.trtworld.com>.
- Basrur, Rajesh and Kliem, Frederick. (2020). Covid-19 and International Cooperation: IR Paradigms at Odds. SN Social Sciences. Vol. 1, No. 7, 1-10.
- Bayeh, Endalcachew. (2014). Theories on the Role of International Organizations in Maintaining Peace and Security. International Journal of Multidisciplinary Research and Development. Vol. 1, No. 7, 347-350.
- Bieber, Florian. (2020). Global Nationalism in Times of the COVID-19 Pandemic. 27 April 2020. Available at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov>.
- Biscop, Sven. (2020). Weaker Together or Weaker Apart? Great Power Relations After the Coronavirus", Asia Europe Journal, May 18, No. 18, Pp: 231-234.
- Brow, Frances Z. (2020), "How Will the Coronavirus Reshape Democracy and Governance Globally?". 20 Feb 2020. Available at: <https://carnegieendowment.org/2020/04/06/how-will-coronavirus-reshape>.
- Busby, Joshua. (2020). What International Relations Tells Us About COVID-19. E-International Relations. 26 April 2020. Available At: <https://www.E-Ir.info/2020/04/26/What-International-Relations-Tells-Us-About-Covid-19>.
- Carothers, Thomas. (2020). How Will the Coronavirus Reshape Democracy and Governance Globally?. 12 Feb 2020. Available at: <https://carnegieendowment.org>.
- Conde, Carlos and Pataud, Arthur. (2020). COVID-19 Crisis Response in MENA Countries. OECD, Available at: [https://Read.oecd-ilibrary.org/View/?Ref=129\\_129919](https://Read.oecd-ilibrary.org/View/?Ref=129_129919).
- Dumbrava, Costica. (2020). Lifting Coronavirus Restrictions, The Role Oftherapeutics, Testing, and Contact-Tracing Apps. European Parliamentary Research Service. 20 July 2020. available at: <https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes>.
- Dunoff, Jeffrey. (2000). International Legal Scholarship at the Millennium. Chicago Journal of International Law. Vol. 85, 66-82.
- Farrell, Henry and Newman, Abraham. (2020). Will the Coronavirus end Globalization as We Know It?. Foreign Affairs. 16 March 2020. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/2020-03-16>.
- Fayyaz, Shabana and Malik, Salma. (2020). Question of US Hegemony and COVID-19 Pandemic. Global Political Review. Vol. 7, No. 1, 72-83.

- Gülseven, Enver. (2021). Identity, Nationalism and the Response of Turkey to COVID-19 Pandemic. Chinese Political Science Review. Vol. 6, 40-62.
- Gvosdev, Nikolas. (2020). Why the Pandemic Has Revived Hard-Nosed Realism. 8 Sept 2020. Available at: [https://www.google.com/search?q=Why+the+Pandemic+Has+Revived+Hard-Nosed+Realism&sca\\_esv=4a42ef09a1334cc3&sca\\_upv=1&ei=TqqaZpPNOuSvi-](https://www.google.com/search?q=Why+the+Pandemic+Has+Revived+Hard-Nosed+Realism&sca_esv=4a42ef09a1334cc3&sca_upv=1&ei=TqqaZpPNOuSvi-)
- Hänel, Lisa. (2020). Coronavirus: A Stress Test for Democracy. 30 May 2020. Available at: <https://www.dw.com/en/coronavirus-a-stress-testfor-democracy>.
- Harari, Noah, Yuval. (2020). The World after Coronavirus, Financial Times. 20 March 2020. Available at: <https://www.ft.com/content>.
- Huang, Qingming. (2020). The Pandemic and the Transformation of Liberal International Order. Journal of Chinese Political Science. Vol. 26, 1-26.
- Izmestiev, Artemy and Klingebiel, Stephan. (2020). International (Development) Cooperation in a Post-COVID-19 World: A New Way of Interaction or Super-Accelerator?. 1 May 2020. Available at: <https://devpolicy.org>.
- Javed, Sumbal and Chattu, Vijay Kumar. (2020). Strengthening the COVID-19 Pandemic Response, Global Leadership, and International Cooperation Through Global Health Diplomacy. Health Promot Perspect. 7 November 2020. Available at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC7723006>.
- Kadomtsev, Andrey. (2020). A New World Order, or Will Globalization Survive the Coronavirus Pandemic?. 17 March 2020. Modern Diplomacy. Available at: <https://moderndiplomacy.eu/2020/03/17>.
- Kliem, Frederick. (2020). Opinion –Realism and the Coronavirus Crisis. 11 Apr 2020. E-International Relations. Available in: <https://www.e-ir.info/2020/04/11>.
- Kurlantzick, Joshua. (2020). COVID-19 and its Effect on Inequality and Democracy, a Study of Five Large Democracies. Council on Foreign Relations. Available at: <https://www.cfr.org/Report/Covid-19-And-Its-Effect-Inequality-And-Democracy>.
- Legrain, Philippe. (2020). The Coronavirus is Killing Globalization as We Know It. Foreign Policy Magazine. 12 March 2020. Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/03/12/coronavirus-killing>.
- Moloney, William. (2020). Coronavirus is Accelerating the Advance of Nationalism over Globalization. 22 March 2020. Available at: <https://thehill.com/opinion/international/492253-coronavirus-is-accelerating-the-advance-ofnationalism-over>.
- Ozkan, Rsan and Cem Cetin, Hakan. (2016). The Realist and Liberal Positions on the Role of International Organizations in Maintaining World Order. European Scientific Journal. Vol.12, No.17, 85-96.
- Pevehouse, Jon C.W. (2020). The COVID-19 Pandemic, International Cooperation, and Populism. International Organization Online Supplement, Available at: <file:///C:/Users/SAYANG~1/AppData/Local/asm.pdf>.
- Roberts, Anthea and Lamp, Nicolas. (2020). Is the Virus Killing Globalization? There's No One Answer", 15 March 2020, Available at: <https://www.barrons.com/articles/is-the-virus-killing-globalization-theres-noone-answer-51584209741>.

- Schäffer, Sebastian and Martínek, Daniel and Kushwaha, Babrik. (2020). COVID-19 in the Danube Region –Resilience or Reversion of European Integration., Available at: <https://www.fatt.at/portals/0/blogitems/pdf/ips>.
- Schweller, Randall. (1997). New Realist Research on Alliances: Refining, not Refuting, Waltz's Balancing Proposition. American Political Science Review. Vol. 91, No. 4, 927-930.
- Su, Ruolin and Shen, Wensong. (2020). Is Nationalism Rising in Times of the COVID-19 Pandemic? Individual-Level Evidence from the United States. Journal of Chinese Political Science. Vol. 26, 169-178.
- Taylor Woods, Eric and Schertzer, Robert and Greenfeld, Liah and Hughes, Chris and Miller-Idriss, Cynthia. (2020). COVID-19, Nationalism, and the Politics of Crisis: A Scholarly Exchange. Eurasian Geography and Economics. Vol. 61, No. 4-5, 807-825.
- Walt, Stephen. (2020). Will a Global Depression Trigger Another World War?. Foreign Policy Illustration. 13 May. Available At: <https://foreignpolicy.com/2020/05/13/coronavirus-pandemic-depression-economy-world-war>.
- Waltz, Kenneth. (1979). Theory of International Politics. University of California, Berkley.

## The Spread of COVID-19 Virus and the Revival of the Principles and Foundations of Realist Theory

### Abstract

Realism is one of the most important and stable theories of international relations. According to realists, due to the existence of anarchy, there are always general and stable principles in the field of international system and in relations between countries. Anarchy has important consequences such as distrust and suspicion of countries to each other, and thus self-help and efforts to maximize power and security in the national interest. Liberals, on the other hand, argue that the values of liberalism such as human rights, democracy, the free market, international institutions, and transnational cooperation have been upheld by liberal hegemony since World War II and have expanded and deepened with the end of the Cold War and globalization. While downplaying the principles of liberalism, realists emphasize the politics of power and the importance of nationalism and the national interests of nations, especially in times of crisis. Given that the corona outbreak from China in December 2019 has caused a crisis in the world, realists claim to revive the principles and assumptions of their theory in domestic and foreign policy. The question is, what effect has the outbreak of the Corona virus had on the domestic and foreign policies of countries in the international system? It is hypothesized that different countries of the world turned to nationalism in order to fight the Corona virus and to compete internationally for the required health resources and equipment. In fact, instead of transnational cooperation and relying on international institutions, different governments acted in accordance with the principles of realist theory. The purpose of this study is to investigate the behavior of governments in dealing with the coronavirus epidemic and its application to the theory of realism. The present research has been done by descriptive-analytical method.

**Keywords:** Corona virus, theory of realism, nationalism, national interests, international competition.